

روش های نهادهای سازی عفاف و حجاب بر اساس آموزه های وحیانی

استاد راهنما: فاطمه غلامی

سپیده سرابی - مهسا محمدی

چکیده

با چینش آیات مربوط به «عفاف» و «حجاب» بر اساس روایات معتبر ترتیب نزول سور، روش قرآن در نهادهای سازی حجاب و عفاف در جامعه‌ی عصر نزول کشف می‌شود. قرآن کریم در اولین مراحل تعلیم خود در سوره های مکی به ایجاد نوعی بینش و معرفت بنیادی درباره ی این دو مفهوم و سپس به فرهنگ سازی به صورت گسترده و مستمر در نهادهای سازی حجاب و عفاف پرداخته است. پس از آن در سال‌های نزول قرآن در مدینه و هنگامی که افکار عمومی برای پذیرش قوانین آماده شد با روش قانون گذاری به تشریع قوانینی درباره ی چگونگی التزام مسلمانان به احکام مربوط به حجاب و عفاف پرداخت. با تحلیل روش‌های به کار رفته در قرآن کریم در این باره میتوان به برخی از راهبردهایی که هر یک از نهادهای آموزشی، فرهنگی و قانونگذار جامعه با استمداد از آنها میتوانند این دو رفتار را در جامعه نهادهای سازند پی برد.

کلید واژه : حجاب، عفاف، قرآن کریم، روش نهادهای سازی، ترتیب نزول، جامعه

(1) مقدمه

حجاب و عفاف از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در مجامع مختلف اعم از مجامع علمی و دانشگاهی، فرهنگی، مذهبی و برخی دستگاه های اجرایی بررسی میشوند .

هر یک از این مجامع، راهکارها و روشهای مختلفی را برای گسترش حجاب و عفاف در جامعه پیشنهاد داده اند و به روش های مختلفی برای اجرای آن تمسک بسته اند که صرف نظر از میزان توفیق داشتن یا توفیق نداشتن ایشان، به نظر میرسد این مسئله همچنان در بین برخی اقشار جامعه نهادینه نشده و ابهاماتی در این باره در اذهان برخی افراد که از جمله ی آنها جوانان و نوجوانان هستند به چشم میخورد .

ثبات و استمرار یک رفتار در جامعه نیازمند شناخت روش هایی است که از یک طرف با نیازهای فردی و اجتماعی انسانها در تضاد و تعارض نباشد و از سوی دیگر با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد .

علاوه بر آن، توجه به اولویت به کارگیری روش ها، تقدم و تأخر آنها و حجم و شدت به کارگیری هریک از آنها به میزان چشم گیری در ثبات آن رفتار در جامعه تأثیرگذار است .

همچنین شناخت منبع و مرجعی جهت استخراج چنین روش های جامع و همه سو نگر اهمیت بسزایی دارد .

برخی محققان معتقدند پس از بررسی قرآن کریم با رویکرد ترتیب نزول آیات میتوان به بسیاری از روش های تربیتی آن دست یافت (بهجت پور 1378: ج 1، ص 37).

بنابراین مهم این است که چه روش هایی در قرآن کریم به منظور نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعی عصر نزول و در طی نزول تدریجی آیات و سور به کار رفته است. در فضایی که مخاطبان قرآن کریم را

دست‌های از اعراب تشکیل میدادند که زنانشان التزامی به پوشش کامل نداشته گردن‌ها و جواهراتشان هویدا بود (مطهری 24: 1373) و از طرف دیگر قید و بندی در رابطه‌ی بین زن و مرد وجود نداشت تا جایی که مورخان تا نه نوع ازدواج در جاهلیت عرب را برشمرده‌اند (جواد: ج 5، صص 548، 141 - 526). قرآن کریم با چه روش‌هایی توانست فرهنگ التزام اعراب به پوشش و حفظ حریم در روابط بین زن و مرد را ایجاد کند؟ مسئله‌ی دیگر نحوه‌ی بهره‌برداری مخاطبان کنونی قرآن از این روش‌ها به منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه است. نهادهای علمی، فرهنگی و دستگاه‌های اجرایی و قانونگذار ما می‌بایست با تمسک به قرآن کریم چه روش‌هایی را به منظور ایجاد ثبات و استمرار حجاب و عفاف در جامعه به کار گیرند؟ به طور کلی به منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه به چه راهبردهایی میتوان دست یافت؟

(2) تبیین مفاهیم

۲-۱) عفت در لغت و اصطلاح

واژه‌ی عفاف به فتح عین، مصدر ماده‌ی «عف» و مصدر دیگر آن «عفه» است که هر دو به یک معنا بوده به جای یکدیگر به کار می‌روند.

این منظور در تعریف واژه‌ی عفاف می‌گوید: «خودداری از عمل یا سخنی که حلال و نیکو نیست» (ابن منظور 1414: ج 9، ص 253). راغب می‌گوید: «العفة حالة للنفس تمنع بها عن غلبة الشهوة»؛ عفت حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه‌ی شهوت جلوگیری میشود و در ادامه می‌افزاید: «و اصله الإلتصار علی تناول الشيء القليل»؛ اصل آن، اکتفا به بهره‌مندی کم از چیزی است (راغب اصفهانی 1414: 573).

این واژه از اصطلاحات علم اخلاق است. عفت در اصطلاح آن است که قوه ی شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آنچه عقل نهی میکند اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است (مجتبوی 1364: ج 2، ص 15). شهید مطهری عفاف را این گونه تعریف میکند: «عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است؛ یعنی رام بودن قوه ی شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان،

تحت تأثیر قوه ی شهوانی نبودن، شره نداشتن» (مطهری 104: 13)

۲- 2) حجاب در لغت و اصطلاح

حجاب در لغت معانی مختلفی دارد؛ مانند پوشش، پرده، منع و آنچه میان دو چیز واقع شود (انوری 1381: ج 3، ص 2468).

در زبان عربی به ابرو از آن جهت حجاب میگویند که به عنوان پرده و مانعی برای چشم در برابر شعاع خورشید عمل میکند. دربان را نیز از آن جهت حاجب میگویند که مانع ورود میشود (ابن منظور 1414: ج 1، صص 298 و 299).

بر این اساس، حجاب مانع ملاقات طرفین با یکدیگر از راه حس لامسه و باصره است. این مانع گاه معنوی است؛ مانند آنچه قرآن کریم درباره ی شیوه های وحی بر نبی اکرم (ص) میفرماید: «و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا» (شوری: 51) و گاه مادی است مانند آنچه درباره ی شیوه ی تعامل با همسران پیامبر آمده است: «و اذا سألتهموهن متاعا فیسألوهن من وراء حجاب»

(احزاب: 53) (قرشی 1412: ج 2، ص 103؛) (مصطفوی 166 ص 2، ج 2: 1402)

در اصطلاح فقهی حجاب، پوشش زن در برابر بیگانه است. گو اینکه کتب فقهی از واژه ی حجاب به این معنی

کمتر بهره گرفته اند و برای بیان این مقصود از واژه ی «ستر» استفاده کرده اند (مطهری 79: 1373)

2- 3) رابطه ی میان عفاف و حجاب و مفهوم آن دو در جامعه درباره ی رابطه ی میان این دو مفهوم نظرات مختلفی وجود دارد. از نظر برخی دایره ی مفهوم حجاب و عفاف بر یکدیگر منطبق نیست (غروی نائینی 1386) عده ای دیگر از محققان، بر وجود رابطه ی میان عفاف و حجاب اصرار ورزیده و رابطه ی این دو را به باطن و ظاهر، روح و جسم یا گوهر و صدف تشبیه کرده و گفته اند: «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه ی حجاب» (طیبی: ش 95 و 96)، از نظر عده ای دیگر حجاب یکی از مصادیق عفاف به شمار میآید (قاضی زاده 1386) و از نظر برخی محققان رابطه و تلازم میان آن دو مکشوف نیست و در اینباره میگویند: «به گمان ما ای نها دو حقیقت اند و میزان وابستگی این دو نیاز به درنگ و تأمل بسیار دارد اما اینکه این دو لازم و ملزوم اند یا اینکه تقارن اتفاقی پیدا میکنند یا حکم نشانه و واقعیت را دارند و ... احتمالاتی است که هر کدام را قائلی است و به آسانی

نمیتوان نظر قطعی و نهایی را صادر کرد (مهریزی 11: 1379) .

همان گونه که ملاحظه میکنید، اتفاق نظر واحدی درباره ی این دو مقوله وجود ندارد و شاید این اختلاف نظرات به اختلاف نوع نگرش هر یک باز میگردد. صرف نظر از کشف رابطه میان این دو تبیین مفهوم آن در جامعه و تلقی ای که افراد اجتماع از آن دارند جایز اهمیت است .

نتیجه گیری

این پژوهش چند نتیجه ی مهم در بردارد :

پوشش زن و مرد و حفظ حریم در روابط بین آنها دو ابزاری است که با نهادینه سازی آنها سلامت جامعه تضمین میشود

نهادینه سازی حجاب و عفاف در جامعه نیازمند دانستن روش صحیح است .

از بررسی آیات مربوط به حجاب و عفاف بر مبنای ترتیب نزول سوره ها میتوان به روش قرآن در نهادینه سازی این دو رفتار دست یافت .

سه روش «تبیین اصول و پایه های معرفتی»، «فرهنگ سازی» و «تشریع» برای نهادینه سازی حجاب و عفاف در جامعه ی زمان نزول در قرآن کریم به کار رفته است که در اصطلاحات علوم اجتماعی از آنها به ترتیب به سه مکانیزم شناختی، هنجاری و اجباری تعبیر میشود.

در روش نهادینه سازی قرآن، مکانیزم شناختی بر هنجاری و هنجاری بر اجباری تقدم دارد .

وسعت، استمرار و تکرار از ویژگی های روش فرهنگ سازی قرآن کریم است .

دو روش شناختی و فرهنگ سازی پایه پای روش تشریع استمرار دارند .

اجرای حدود و مجازات و توسل به الزام و اجبار جز آخرین مراحل از مراحل است که در قرآن کریم برای

نهادینه سازی به کار رفته است .از تحلیل روش های قرآن در نهادینه سازی حجاب و عفاف میتوان به راهبردهای

مهمی در قلمرو نهادهای آموزشی، فرهنگی و قانون گذار جامعه دست یافت.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم .

*نهج البلاغه

[?] ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحرير و التنوير .

[?] ابن منظور، محمد بن مکرم 1414ق. لسان العرب، بیروت، دار صادر .

[?] نوری، حسن 1381 . فرهنگ سخن، تهران، سخن .

[?] بحرانی، هاشم 1416ق. البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت .

[?] بالغی، عبدالحجت 1386ق. حجت التفسیر و بالغ الکسیر، قم، حکمت .

[?] بهجتپور، عبدالکریم 1378ش. همگام با وحی، قم، سبط النبی .

[?] بهرامپور، ابوالفضل. تفسیر و تجزیه و ترکیب قرآن .

[?] جعفری، یعقوب. کوثر .

[?] جواد، علی 1968م. المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام، بیروت، دارالعلم المالین .

[?] خضرنجات، حمید 1369. مفاهیم جامعه شناسی، شیراز.

[?] راغب اصفهانی، حسین بن محمد 1412 هـ - ق. المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم .

- [?]راوندى، قطب الدين 1405ق. فقه القرآن فى شرح آيات الاحكام، قم، كتابخانه آيت اله مرعشى نجفى .
- [?]زحيلي، وهبه بن مصطفى 1422ق. تفسير الوسيط، دمشق، دارالفكر .
- [?]زمخشري، محمود 1407ق. الكشف عن حقايق غوامض التنزيل، بيروت، دارالكتاب العربى .
- [?]سيدبن قطب 1412ق. فى ظلال القرآن، بيروت، دارالشروق .
- [?]سيوطى، جلال الدين 1404ق. الدر المنثور فى تفسير الماثور، قم، كتابخانه آيت اله مرعشى نجفى .
- [?]شبر، عبدهلل 1412ق. تفسير القرآن الكريم، بيروت، دارالبلغة للطباعة و النشر .
- [?]طباطبائى، محمدحسين 1417ق. الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامى .
- [?]طبرسى، فضلبن حسن 1372. مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو .
- [?]طبرى، محمدبن جرير 1412ق. جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة .
- [?]طوسى، محمدبن حسن. التبيان فى تفسير القرآن، احمد قصير عاملى، بيروت، داراحياء التراث العربى .
- [?]طيبى، ناهيد. «حجاب و عفاف»، پیام زن، ش 95 و 96 .
- [?]عياشى، محمدبن مسعود 1380ق. كتاب التفسير، سيدهاشم رسولى محالتى، تهران، علميه .
- [?]غروى نائينى، نهله. «پويشى در معنا و مفهوم حجاب»، كتاب زنان، ش 36 (1386) .
- [?]فاضل مقداد، جمال الدين مقدادبن عبدهلل 1419ق. كنز العرفان فى فقه القرآن، سيد محمد قاضى، مجمع جهانى تقريبات مذاهب اسلامى .

[?]فراء، یحییٰ زید. معانی القرآن، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة.

[?]فضلاهلل، سید محمد حسین 1419ق. تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالمالک للطباعه و النشر .

[?]قاضی زاده، کاظم. «عفاف در آیات قرآن و نگاهی ب ه روایات»، کتاب زنان، (1386) 36 ش

[?]قزائی، محسن 1383. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن .

[?]قرشی، علی اکبر 1371ش. قاموس قرآن، تهران، دارالکتب السالمیه .

[?]قلیپور، آرین. «نقش دولت در نهادهای سازی حجاب»، کتاب زنان، ش 38 _ (1386)

[?]قمی، علین ابراهیم 1367ش، تفسیر قمی، سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب .

[?]قنادان و همکاران، منصور 1376. جامعه شناسی(مفاهیم کلیدی)، تهران، آوای نور .

[?]گالبی، سیاوش 1376. اصول و مبانی جامعه شناسی، تهران، میترا .

[?]مجتبوی، جلال الدین 1364. علم اخلاق اسلامی، ترجمه ی جامع السعادات،

تهران، حکمت .

[?]مجلسی، محمدباقر. بحارالنوار، تهران، اسالمیه .

[?]محلی، جلال الدین سیوطی 1416ق. تفسیر الجالین، بیروت، موسسه النور للمطبوعات .

[?]مدرسی، محمدتقی 1419ق. من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین .

[?]مصطفوی، حسن ن 1360ش. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

[?]مطهری، مرتضی 1386. تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا .

[?]معرفت، محمدهادی 1386. علوم قرآنی، قم، تمهید .

[?]مغنیه، محمدجواد 1424ق. تفسیرالکاشف، تهران، دارالکتب السالمیه .

[?]مهریزی، مهدی 1379. آسیبشناسی حجاب، تهران، جوانه رشد .

[?]مکارم شیرازی، ناصر 1374. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب السالمیه.